

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال-افغانستان

۰۲.۰۶.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟

(۷۲)

برگم탈 روز های سختی دارد:

ولسوالی برگم탈 که در آخرین بخش دره کنر قرار دارد و مربوط به ولایت نورستان است، از چند روز به اینسو روز های سختی را پشت سر گذاشته و جنگ شدیدی را تجربه کرد. این ولسوالی که در زمان تجاوز شوروی به زودی آزاد و در اختیار مجاهدین قرار گرفت، سالهای سال دولتی مرکزی بر آن قدرتی نداشت و در آن زمان ملا افضل یکی از ملا های بنیاد گرای سلفی به کمک اعراب سلفی درین ولسوالی دولت مسخره مجاهدین را ساخت و خود «پادشاه» آن شد. سلفی های عرب مدت ها درین ولسوالی رفت و آمد داشتند و به تبلیغ اعتقادات شان میپرداختند و ملا های بسیاری درین جا به سلفی گراییدند. اما مردم منطقه که فقط پول اعراب را می گرفتند به این باور ها نه اعتقادی داشتند و نه از روش های سنتی دینی خود دست برداشتند. بعد از یازده سپتمبر درین ولسوالی نیز دولت مرکزی، ولسوال و قومندان تعیین کرد و اداره آن به کابل مربوط گشت، اما چون از مرکز بسیار دور بود و راه آن از دره بسیار پرپیچ و خطرناک کامدیش میگذشت، بعد از سقوط ولسوالی کامدیش توسط طالبان و بر آمدن «مصلحت آمیز» اشغالگران امریکائی ازین ولسوالی، رابطه زمینی ولسوالی برگم탈 با مرکز به کلی قطع شد. از آنجائیکه مردم این ولسوالی طی چند سال حاکمیت ملا ها را در دولت ملا افضل و بعد طالبان تجربه کرده بودند، به حفظ قدرت منطقه ئی خود پرداخته با اینکه با دولت مرکزی رابطه فعالی نداشتند، تصمیم گرفتند که خود مردم این ولسوالی حاکمیت شانرا حفظ کنند. چون برگم탈 در سرحد پاکستان و متصل چترال میباشد و دارای معادن بزرگ بیروج و یاقوت میباشد، لذا طالبان و القاعده به آن چشم داشته و پیوسته بر آن حمله میکردند، و مردم جنگجوی برگم탈 چند بار در برابر حملات طالبان که از پاکستان سرازیر میشدند، مقاومت کرده و بی آنکه طالبان خونریز به نتیجه برسند دوباره عقب نشینی میکردند.

این بار که حدود سه صد تن از طالبان به رهبری مولانا فضل الله که یکی از جناوران طالب در سوات و مالاکنده میباشد بر برگمتال حمله کردند، مردم این ولسوالی به مقاومت دست زده و سه شبانه روز در مقابل این جانپان جنگیدند و اشغالگران امریکائی که در بریکوت، در ۶۰ کیلومتری این ولسوالی مستقر اند، کوچکترین حمایتی از مردم این ولسوالی نکرده، گذاشتند تا درمیان دوطرف جنگ خونین تر شود و بالاخره مردم این ولسوالی زیر فشار طالبان که راه پاکستان در عقب جبهه شان باز بود، مجبور به عقب نشینی شده به کوه های متصل ولسوالی و دهات پوشیده از جنگل این ولسوالی پناه بردند و با تجدید قواء و تنظیم دوباره جنگ از چهار سو بر ولسوالی که به دست نیرو های فضل الله قرار گرفته بود، یورش بردند و بعد از درگیری خونینی مرکز ولسوالی را به تاریخ ۳۱ ماه می تسخیر و نیرو های طالب دو باره به سمت دیر ، سوات و چترال عقب راندند. اینکه درین جنگ خسارات دو طرف به چه پیمانه بوده است تا حال اطلاع دقیقی در دست نیست، اما از جائیکه طالبان در سه روز اول به طور یورشی به حمله پرداخته بودند، تلفات شان سنگین بوده است. مردم برگمتال درین جنگ نشان دادند که همانطوری که اشغالگران را نمیخواهند، جناوران طالب را نیز از محیط و منطقه شان چخ کرده و نمیخواهند تا زیر ذلت طالبی زندگی کنند. گرچه در ناوقت های جنگ طیارات امریکائی بر مواضع طالبان در اطراف برگمتال بمباری کردند، اما این زمانی بود که دیگر طالبان شکست خورده بودند و خود مردم بر ولسوالی شان مسلط شده بودند. واقعه برگمتال به ما می آموزاند که هرگاه نیروهای انقلابی و آزادیخواه قادر شوند مردم افغانستان را در اقصی نقاط کشور برای حفظ و نگهداشت منافع منطقه ئی خودشان بسیج و متشکل سازند مردم به خودی خود قادر خواهند شد تا علیه متجاوزان خارجی و دست پروردگان طالبی شان رزمیده در نهایت شاهد پیروزی را به آغوش بکشند. جالب ترین نکته سکوت و بی طرفی نیروهای اشغالگر در تمام دوران ادامه درگیری بین مردم محل و طالب بود. این سکوت تا بدانجا رسید که برخی بوی سازش اشغالگران را با طالب استشمام نموده و می گفتند، امریکا به مشوره پاکستان می خواهد منطقه به دست طالب ببفتد. این طرز دید باعث شد تا مردم بیشتر تحریک شده خود وطن خویش را از دست هر دو متجاوز نجات دهند.

قاسم اعدام شد:

رژیم منفور و فاشیست ایران که تصمیم به اعدام ۳۰۰۰ جوان افغان گرفته است، تا حال بیش از ۵۰ تن ازین جوانان را اعدام و اجساد شان را در بدل یک ملیون و دو صد هزار تا دوملیون تومان به خانواده های شان تسلیم کرده اند. با اینکه اعتراضات بسیاری علیه این تصمیم ایران در افغانستان به راه افتاد و دولت افغانستان هیأتی از وزارت خارجه فرستاد، اما رژیم فاشیست ملائی کوچکترین اعتنائی به این اعتراضات و رفت و آمد ها نکرده، بار دیگر در شهر یزد دست به اعدام افغانها زد. درین اعدام که به تاریخ ۳۰ می صورت گرفت چهار جوان افغان به جرم دست داشتن در مواد مخدر به چوبه دار آویخته شدند. که شامل سه بلوچ افغان و یک تن از جوانان غیر بلوچ به نام قاسم، باشند شهر نیمروز بود. پدر قاسم گفت که پسرش برای مزدوری به ایران رفته بود و هیچوقت در کار مواد مخدر دخیل نبوده است. جسد این جوان یکروز بعد از اعدام در پل ابریشم به نیرو های مرزی این طرف در ولایت نیمروز تحویل داده شد و خانواده اش مجبور به پرداخت یک و نیم ملیون تومان برای تحویلگیری جسد فرزند شان به ایرانی ها شد.

احمد ولی کرزی و بزرگنمایی امریکایی ها:

احمد ولی کرزی برادر حامد کرزی که فعلاً رئیس شورای ولایتی قندهار میباشد و اخیراً برخی از نشرات غربی او را عضو فعال سازمان سیای امریکا معرفی کرده، یکی از قاچاقچیان مشهور مواد مخدر در افغانستان است. او که با چند قاچاقچی مشهور چون عارف نورزایی، حاجی عزیزالله، حاجی آدمجی، ملاشیرمحمد و حاجی جمعه بزرگترین باند مافیای داخل افغانستان را رهبری میکند، ظاهراً در جدل و کشمکش با امریکائی ها قرار دارد و جنرال مک کریستال سرکرده اشغالگران امریکائی در افغانستان او را یکی از عوامل جلوگیری از استقرار «امنیت» در قندهار میدانند. اما عملاً نه تنها با او برخوردی ندارد که چندی قبل جنرال پتریوس لوی درستیز قوای امریکائی در شهر قندهار با او دیدار و گفتگو کرد و از او خواست تا در عملیات «امید» که قرار است به زودی در قندهار به راه بیفتد، همکاری و کمک کند. اینکه احمد ولی چه کمک و یا چه ممانعتی در برابر امریکائی ها در قندهار کرده میتواند، روشن نیست، ولی همه میدانند که امریکائی ها این همکار مواد مخدر خود را با این اعلانات و دیدار ها بزرگ میسازند، تا مردم قندهار هرچه بیشتر برایش تمکین کنند. اما نشرات اروپائی و امریکائی پیوسته در باره او مینویسند و او را اژدهای قندهار وانمود میسازند. در حالیکه بسیاری از ساکنان قندهار میگویند که احمدولی فرد مطمئن امریکا در قندهار است و در تجارت مواد مخدر امریکائی ها را کمک میکند. احمدولی یک کمپنی بزرگ امنیتی دارد که به نام «نیرو های ضربتی قندهار» یاد میشود و از کمپنی های رسمی است. وی ازین نیرو های مسلح در جهت قاچاق مواد مخدر و تهدید مخالفانش استفاده میکند. برادر او قیوم کرزی در مساحت سه هزار جریب زمین شهرکی به نام «عینو» را در قندهار آباد ساخته و این همه زمین که مربوط دولت است را به زور غصب نموده است، اخیراً قومندان قول اردوی قندهار گفت که احمد ولی زمین های این قول اردو را هم به زور غصب کرده و زورش برای بازپسگیری به او نمیرسد. این برادران در قندهار یک شبکه تلویزیونی شخصی و یک رادیو و چند نشریه و مجله در اختیار دارند و به این صورت برای خود درین ولایت تبلیغ میکنند و به حاکمیت بلا منازع خود در کنار امریکائی ها ادامه میدهد.

احمدولی کرزی زیر حمایت برادرش حامد کرزی تمام ولسوال ها و قومندانان امنیه رادر قندهار تعیین میکند و ادارات شهر قندهار را کاملاً در کنترل خود دارد. والی قندهار که یکی از مزدوران و سرسپردگان کاندائی ها است (کاندایی ها بعد از امریکائی ها بیشترین نیرو در قندهار دارند) و امریکائی ها ظاهراً از کار او راضی نیستند، بی اراده ترین والی بوده و هرچه احمدولی برای او دیکته کند همانطور عمل مینماید و نوکر حلقه به گوش احمدولی است و چون موش از او میترسد. جنرال مک کریستال که حاکم بلا منازع افغانستان است، از نقش بالای احمدولی در اداره قندهار راضی نیست و کوشش میکند تا از قدرت او ظاهراً بکاهد و این قدرت به والی ولایت انتقال داده شود. اما تا حال موفق نشده و اخیراً اعلان شد که احمد ولی رضایت داده که برخی از قدرتش را به والی ولایت تفویض کند. امریکایی ها ظاهراً ازین اقدام اظهار خوشی کرده و میگویند که احمدولی تصمیم دارد تا در عملیات قندهار با نیرو های امریکائی همکاری نماید. اینکه این همکاری مزدوری مثل احمد ولی برای بادران امریکائی اش چیست تا حال گفته نشده است. امریکائی ها با تمام اعتمادی که به جاسوس خود احمدولی دارند، اما نمیخواهند قدرتشان در قندهار بی مهار باشد، زیرا هراس دارند که روزی مقابل خود آنها خواهد ایستاد.

احمدولی و برادر او قیوم، قندهار را چون تیول خود قرار داده و هر طوری دلشان بخواهد همانطور عمل میکنند. با این حال مردم قندهار مخصوصاً شهریان قندهار در وضعیت بسیار بدی قرار دارند و هر شب به وسیله طالبان که در اطراف این شهر گرد آمده اند، مورد اذیت و آزار قرار میگیرند. در حقیقت مک کریستال با اعلان عملیات در

قندهار گرگان طالب را به این ولایت جمع کرد و از دو ماه به این سو که هر روز میگوید عملیات شروع میشود، طالبان بیشتری به قندهار سرازیر میشوند و از مردم باج ستانی میکنند، چنانچه مردم به ستوه آمده و برخی از پولداران و تاجران ازین شهر گریخته و برادران کرزی دارو خود را به شهرک عینو برده و در محافظت کامل زندگی میکنند. اما مردم قندهار بهای اعلان اشغالگران مبنی بر عملیات را پرداخته و در اضطراب به سر میبرند.

جرگه مشورتی صلح :

جرگه مشورتی صلح که قرار است به تاریخ دوم جون در کابل بر گذار شود، در آن جمعی از مزدوران اشغالگران شرکت دارند. درین جرگه قرار است روی راه هائی صحبت شود که چگونه جنایتکاران طالب را هم وارد دولت پوشالی بسازند. اینکه نتیجه این جرگه چه خواهد بود از حالا معلوم است، چون جنایتکاران امریکائی نمیخواهند که به زودی به اصطلاح جنگ در افغانستان ختم شود، لذا مردم را به این نامها مصروف نگهداشته، خاک به چشم شان میزنند. این جرگه که برای سه روز در خیمه به اصطلاح لویه جرگه در صحن پولیتخنیک دایر میگردد، از ده روز به این سو محصلان این پوهنتون رخصت شده و معلوم نیست که چه وقت دوباره شروع خواهد شد. درین جرگه جنایتکاران ولسی جرگه، مشرانو جرگه، کابینه و از هر ولایت یک نفر از شورای ولایتی دران شرکت خواهند کردو علاوه به آن زنان غربزده، مزدوران نهاد های جامعه مدنی، نمایندگان رسانه های مزدور نیز در آن اشتراک خواهند داشت. علاوه تعدادی از ریش سفیدان ولایات نیز به این جرگه دعوت شده اند. بر روی این جرگه ظاهرا میان امریکائی ها و انگلیس ها اختلاف نظر وجود دارد و بیشتر مزدوران انگلیسی در برگذاری آن جانکنی میکنند. از طریق برگذاری این جرگه بسیاری از دزدان و فاسدان به پولهای کلانی دست می یابند و جیب آنها پر میشود، اما چیزیکه مهم است اینست که مردم افغانستان خصوصا شهریان کابل به این جرگه با تمسخر دیده و کوچکترین اعتقادی به نتیجه داشتن آن ندارند، مخصوصا که یکبار جنایتکاران طالب را تجربه کرده و این جلسه را تلاشی برای اتحاد میان سگان جنگسالار و گرگان طالب ارزیابی میکنند.